

## نوسازی و تحول ارزش‌های خانوادگی سنتی در شهر تبریز

محمد عباس‌زاده<sup>۱</sup>

توکل آقاپاری هیر<sup>۲</sup>

محمدباقر علیزاده اقدم<sup>۳</sup>

صمد عدلی‌پور<sup>۴\*</sup>

### چکیده

طی دهه‌های اخیر نهاد خانواده تحت تاثیر عوامل داخلی و بیرونی تغییر و تحولات متعددی را تجربه نموده است. از مهمترین عوامل بیرونی، نوسازی یا مدرنیزاسیون است که در کشور ما منجر به دگرگونی‌های زیادی در ارزش‌های خانوادگی سنتی شده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر مطالعه نقش نوسازی در تحولات ارزش‌های خانوادگی سنتی در بین نسل‌های مختلف است. جامعه آماری پژوهش زنان و مردان متأهل بالای ۱۸ سال شهر تبریز است که ۶۰۰ نفر از آنها با بهره‌گیری از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. پاسخگویان بر اساس حوادث و تجربه‌های تاریخی مشترکی که تجربه کرده‌اند به چهار نسل تقسیم شده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مولفه‌های نوسازی (تحصیلات، فردگرایی، عقلانیت ابزاری، بازاندیشی، مساوات‌طلبی جنسیتی، عرفی‌شدن، مصرف‌گرایی) تاثیر معناداری بر تحول ارزش‌های خانوادگی از سنتی به مدرن در نسل‌های چهارگانه داشته است. البته تاثیر مولفه‌های نوسازی بر ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل‌های مختلف یکسان نیست و این تاثیر از نسل اول به نسل چهارم روند افزایشی داشته است. به طوری که مولفه‌های نوسازی توانسته‌اند در نسل اول ۰/۲۸، در نسل دوم ۰/۳۱، در نسل سوم ۰/۳۴، و در نسل چهارم ۰/۴۴ از تغییرات ارزش‌های خانوادگی سنتی مشارکت‌کنندگان را تبیین کنند.

**واژگان کلیدی:** نوسازی، ارزش‌های خانوادگی سنتی، ارزش‌های خانوادگی مدرن.

M.abbaszadeh2014@gmail.com

T.aghayari@tabrizu.ac.ir

Aghdam1351@yahoo.com

S.adlipour@tabrizu.ac.ir

۱- استاد و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

۲- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

۳- استاد و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز

### مقدمه و طرح مسئله

خانواده به‌عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی همواره در طول تاریخ و در همه جوامع از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده است. این نهاد از دیرباز، سوای وظیفه استمرار نسل‌ها و بقاء نوع بشر، وظایف و نقش‌های متعدد دیگری همچون: فعالیت اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی کردن فرد را نیز عهده‌دار بوده است. خانواده طی یک قرن اخیر در بسیاری از جوامع، با تفاوت‌های زمانی اندک، تغییرات ساختاری و کارکردی و معنایی گسترده و ژرفی را تجربه کرده است. تغییر و تحولات خانواده در جوامع در حال توسعه عمدتاً ناشی از عوامل و عناصر تحول‌زای متفاوتی بوده که در بسیاری موارد، تحت عنوان نوسازی موسوم است (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۱۱).

با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران در نتیجه بهبود شاخص‌هایی همچون صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش میزان تحرک اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه، زمینه مساعدی برای بروز تغییرات در ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی اعضای خانواده ایرانی به وجود آمده است (آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۸۱). در این زمینه، می‌توان به تغییر و تحولات شکل گرفته در نگرش‌های افراد در خصوص برخی از جنبه‌های ارزش‌های خانوادگی سنتی اشاره نمود. به‌طوری که نتایج برخی پژوهش‌ها نشان از شکل‌گیری نگرش‌های منفی در افراد نسبت به خانواده، ازدواج و فرزندآوری و نگرش‌های مثبت نسبت به طلاق و روابط فرزندناشویی دارد (چابکی، ۱۳۹۲؛ اوجاقلو و سرایی، ۱۳۹۳؛ خواجه‌نوری و حسینی، ۱۳۹۵؛ رزاقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶؛ حسنی و همکاران، ۱۳۹۶؛ نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۶؛ سفیری و همکاران، ۱۳۹۷؛ قریشی‌راد و پورجبار، ۲۰۱۸).

شهر تبریز نیز همچون سایر شهرهای بزرگ و پرجمعیت ایران از برنامه‌های نوسازی دوره پهلوی دوم به ویژه اصلاحات ارضی و در هم شکسته شدن نظام ارباب رعیتی، از بعد اجتماعی و فرهنگی تأثیرات زیادی پذیرفت. با وقوع انقلاب اسلامی و تشدید فرایند دگرگونی‌های اجتماعی این تأثیرات شدت و گسترش بیشتری یافت و دیگر ابعاد زندگی اجتماعی و خانوادگی شهر تبریز را نیز فرا گرفت (فوران، ۱۳۹۵).

البته درک هر نسل با توجه به تجربه مشترک زیسته و بر اساس تجربه‌های تاریخی، درباره خانواده متفاوت است. به عبارت دیگر، نسل‌های مختلف بر اساس تجارب و حوادث تاریخی و

تجربه زندگی مشترک، نگرش و برداشت متفاوت و گاه متضاد از معنا و مفهوم خانواده و مسائل خانوادگی دارند. برای مثال، نسل قبل از سال ۱۳۴۲ در ایران تجربیات متفاوت تاریخی را پشت سر گذاشته است. در سال ۱۳۴۲ اصلاحات ارضی در ایران اتفاق می‌افتد که تجربیات تاریخی این نسل بی‌تأثیر از این اتفاقات نیست، در این دوره میل شدید به ازدواج و تشکیل خانواده را شاهد هستیم. دوره زمانی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ تقریباً شرایط مشابهی در زمینه ارزش‌های ازدواج و خانواده شاهد هستیم. در سال ۱۳۵۷ انقلاب ایران اتفاق می‌افتد که نقطه عطفی در تاریخ ایران است و کمی بعد از آن جنگ ایران و عراق آغاز می‌شود که نسل این دوره، تجربیات تاریخی متفاوتی از نسل‌های قبل از خود پیدا می‌کند. بعد از پایان جنگ، روند نوسازی و توسعه سیاسی و اقتصادی شروع می‌شود و جهانی شدن شتاب بیشتری می‌گیرد که نسل همراه با آن تجربه تاریخی و اجتماعی کاملاً متفاوتی را تجربه کرده و می‌کند. در نسل‌های بعد از جنگ، شرایط حاکم بر ارزش‌های خانوادگی، شرایط تجربه جهانی شدن و همراهی با فناوری‌های اطلاعاتی همچون اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای است و فرض بر این است که نسل‌های اخیر به واسطه تجربه جهانی شدن، کمترین تمایل را به ازدواج و تشکیل خانواده دارند (سرایبی و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۲۲).

در مجموع، به نظر می‌رسد که در جریان نوسازی جامعه و اشاعه فرهنگ مدرن، خانواده ایرانی به سوی دگرگونی نگرش‌ها، ارزش‌ها، روابط، و نقش‌ها پیش می‌رود (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲). حال پرسش‌هایی که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آنهاست این است که تغییر و تحولات به‌وجود آمده در ارزش‌های خانوادگی سنتی تا چه حدی متأثر از نوسازی است؟ و ارزش‌های خانوادگی سنتی در شهر تبریز تحت تاثیر فرایند نوسازی در بین نسل‌های مختلف چه تغییراتی را تجربه کرده‌اند؟

### پیشینه تجربی

یافته‌های معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نوگرایی خانواده‌های ایرانی»، بیانگر گرایش خانواده‌های تهرانی به سمت نوگرایی است و در این بین، بیشترین تاثیر را نگرش‌های جنسیتی و کمترین تاثیر را باورهای مذهبی در خود پذیرفته است.

نتایج پژوهش چابکی (۱۳۹۲) حاکی از آن است که ارزش‌های مرتبط با نقش‌های خانوادگی و کارکردهای خانواده دستخوش تغییر شده است؛ به این معنا که بین دیدگاه دو نسل، در ارتباط با کارکردهای اساسی خانواده، شکاف عمیقی وجود دارد. همچنین تلقی نسل جوان از طلاق، متفاوت از نسل گذشته است، به طوری که از نظر درصد جالب توجهی از بانوان نسل جوان، طلاق امری مذموم و ناپسند به شمار نمی‌آید.

یافته‌های پژوهش زاهدی و خضرنژاد (۱۳۹۲)، حاکی از آن است که هر چقدر میزان استفاده از رسانه، سرمایه اجتماعی و جهت‌گیری خاص‌گرایی - عام‌گرایی بالا می‌رود، ارزش‌های مدرن خانواده افزایش یافته و ارزش‌های سنتی خانواده کاهش پیدا می‌کند.

لیبی (۱۳۹۲) در پژوهشی در خصوص تحولات ارزش‌های خانوادگی نشان داد که خانواده سنتی در مقایسه با خانواده مدرن از نظر تغییر معنای سنتی زندگی خانوادگی، باور به تمایزات جنسیتی، غلبه الگوهای جدیدی همسرگزینی، تضعیف فضای گفتگو، تضعیف باورهای دینی و اعتقادات مذهبی و غلبه تفکر فردگرایی در کنار ضعف باورهای اخلاقی دچار تحولات ارزشی شده است.

حقیقتیان و دارابی (۱۳۹۴)، نشان دادند که بین نوسازی و تغییرات خانواده رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. این نتیجه حاکی از آن است که دیدگاه شهروندان نپاوندی، در خصوص نوسازی فرهنگی باعث شده که نگرش‌های مدرن‌تری نسبت به تغییرات خانواده داشته باشند.

یافته‌های پژوهش زاهدی و همکاران (۱۳۹۴) بیانگر آن است که در نقاط شهری، رابطه بین فرایند نوسازی و نگرش به طلاق و خیانت خانوادگی معنادار است، اما در نقاط روستایی این رابطه معنادار نیست.

عباس‌زاده و همکارانش (۱۳۹۴) در مطالعه‌شان نشان دادند که با افزایش فردگرایی زنان و افزایش میزان اعتقاد آنان به انتخاب آزادانه در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، و نیز با افزایش نگرش منفی جامعه نسبت به خانه‌داری زنان و تغییر نگرش‌های افراد نسبت به روابط عاطفی و احساسی با جنس مخالف، گرایش زنان به طلاق نیز افزایش می‌یابد.

یافته‌های پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۴)، قنبری برزیان و همکاران (۱۳۹۶)، تقوی و اصلانی (۱۳۹۶) که به مطالعه رابطه استفاده از رسانه‌های نوین (شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی) و ارزش‌های خانوادگی پرداخته‌اند، نشان داد که استفاده از رسانه‌های نوین باعث کاهش ارزش‌های خانوادگی شده است.

ترنتون<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نشان داد که آرمان‌گرایی توسعه در اموری همچون تشکیل کمپین‌های حذف چندهمسری و حجاب زنان، تلاش در گسترش برابری جنسیتی، برنامه‌ریزی‌های خانواده، باروری پایین، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالاتر، به رسمیت شناختن روابط همجنس‌گرایان، طلاق، روابط جنسی و فرزندآوری خارج از ازدواج نقش موثری داشته است.

1. Thornton

نتایج پژوهش ابراهیم و همکارانش (۲۰۱۱) بیانگر آن است که نوسازی و مولفه‌های آن (تحصیلات، رسانه‌های جمعی، تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) از دلایل اصلی تغییر ارزش‌ها، باورها و هنجارهای نظام خانواده در یکی از روستاهای پاکستان هستند.

یافته‌های میسرا<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۲) حاکی از آن است که اکثر خانواده‌های برخوردار از پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط تغییرات اساسی را در ترکیب خانواده، ساختار خانواده (نقش، قدرت، روابط خانوادگی) و عملکردهای خانوادگی (الگوهای ازدواج و سایر عملکردهای خانوادگی) تجربه کرده‌اند. شهرنشینی موجب تغییر در ساختار، ترکیب و عملکردهای خانواده شده است.

کویس و تورنتون<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) نشان دادند که ایده‌آلیسم توسعه از طریق سازوکارهای زیادی بر روی تغییرات خانواده تاثیر می‌گذارد. نخبگان ترکیه‌ای با استفاده از این تفکر ایده‌آلیسم توسعه که جامعه مدرن جامعه‌ای خوب و قابل حصول است؛ شروع به حمایت از نوآوری‌های اجتماعی کردند. چنین تغییراتی منجر به تغییراتی در ارزش‌ها، باورها و روابط خانوادگی در ترکیه شده است.

یافته‌های لای و ترنتون<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) بیانگر آن است که تغییرات رخ داده در ارزش‌های خانواده در مواردی همچون ترجیح افراد در حمایت از نومی‌ها، ازدواج‌هایی که خود فرد انتخاب کرده، مساوات‌طلبی جنسیتی، تاخیر در ازدواج و باروری پایین، با تفکرات توسعه‌ای یا آرمان‌گرایی توسعه ارتباط دارند.

ریمو<sup>۴</sup> و همکارانش (۲۰۱۵) نشان دادند که نوسازی و گذار دوم جمعیتی نقش بسیار زیادی در تغییر و تحولات خانواده در زمینه‌هایی همچون تاخیر در ازدواج، عدم ازدواج، باروری پایین، همخانگی، طلاق، تغییر نگرش افراد به ارزش‌های خانوادگی در کشورهای ژاپن، چین، کره و تایوان داشته‌اند.

سیلینش و مارتینویوک<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) با بررسی داده‌های جمعیتی و سیاست‌های خانوادگی اتخاذ شده در دو کشور اکراین و لتونی نشان دادند که خانواده‌های سنتی تحت تاثیر افزایش مهاجرت و جهانی‌شدن با چالش‌هایی همچون کاهش بعد خانوار، کاهش فرزندآوری و رسیدن به زیر سطح جایگزینی، افزایش طلاق، طلاق عاطفی، همخانگی، تغییر جنسیت، و روابط بین‌نسلی رو به رو شده‌اند.

1. Mishra

2. Kavas & Thornton

3. Lai & Thornton

4. Raymo

5. Silinsh & Martyniuk

یافته‌های رحمان و آدین<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) بیانگر آن است که جهانی‌شدن از طریق رسانه‌های نوین، اندیشه‌های نولیبرالیستی و توسعه اقتصادی در حال نابودی ارزش‌های خانوادگی سنتی کشورهای مسلمان از طریق تغییر نگرش افراد به طلاق، روابط خویشاوندی، روابط فرازنشویی و غیره است. زیلنسکین و ایلیچ<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به مطالعه تغییر ارزش‌های خانوادگی در نسل‌های مختلف لیتوانی در قرن بیستم پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که در تمامی نسل‌ها از دست رفتن استقلال لیتوانی، جنگ، نظام شوروی و به دست آوردن استقلال کشور در سال ۱۹۹۰، از عوامل اصلی تغییر ارزش‌های خانوادگی بوده‌اند.

### چارچوب نظری

یکی از انواع ارزش‌ها که در جامعه ما حائز اهمیت زیادی است، ارزش‌های خانوادگی هستند که می‌توان آنها را کیفیت‌هایی دانست که هسته خانواده را تعریف می‌کنند و پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده را تضمین می‌کنند (زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲: ۷۵). به نظر پاناسنکو<sup>۳</sup> (۲۰۱۳)، ارزش‌های خانوادگی، نگرش‌ها، باورها و ایده‌های افراد در زمینه خانواده هستند که از نسلی به نسل دیگر از طریق اجتماعی‌شدن منتقل می‌شوند. از جمله ارزش‌های خانوادگی می‌توان به نگرش‌ها و باورهای افراد در خصوص خانواده، ازدواج، فرزندآوری، طلاق و... اشاره نمود.

در یک طبقه‌بندی ساده، ارزش‌ها و الگوهای خانوادگی را می‌توان به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم نمود. در الگوی سنتی، خانواده گرایی و نگرش مثبت به خانواده از اهمیت اساسی برخوردار است و خانواده به سان پدیده‌ای مقدس تلقی می‌شود. در این دیدگاه، فرزندآوری و حمایت از آنان و بقای نسل، نوعی ارزش است، تمایل به ازدواج زیاد و تحقق آن به دست سرنوشت سپرده می‌شود. آیین‌ها و سنت‌ها همواره در پی اهمیت دادن به ازدواج در جایگاه واقعه‌ای مهم هستند (ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹). همسرگزینی تحت سلطه خانواده قرار دارد و دختر و پسر جوان در انتخاب همسر، اختیار قابل ملاحظه‌ای ندارند (اعزازی، ۱۳۸۹: ۵۴). همچنین در الگوی سنتی، طلاق امری ناپسند به حساب می‌آید، به طوری که از قبح بالایی بین افراد برخوردار است و افراد نگرش منفی یا سخت‌گیرانه‌ای نسبت به آن دارند (جهانبخش، ۱۳۹۵). در الگوی سنتی، کاربرد واژه‌هایی همچون «شرم، حیا، آبروی خانوادگی، نامحرم، و خیانت» در عرف جامعه نشان از وابستگی شدید افراد معتقد به ارزش‌های خانوادگی سنتی و رد رابطه دختر و پسر قبل از ازدواج و هر گونه روابط فرازنشویی است (ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰).

1. Rahman & Uddin

2. Zilinskienė & Ilic

3. Panasenko

ارزش‌های خانوادگی مدرن نیز ارزش‌هایی هستند که عمدتاً حاصل نفوذ فرهنگی غرب از طریق مدرنیته و نوسازی در جامعه سنتی ما است و به عبارت دیگر، باورها و اعتقاداتی را شامل می‌شود که غالباً در تضاد با ارزش‌های سنتی فرهنگ ایرانی قرار دارد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷). الگوی خانواده مدرن برآمده از ادبیات گفتمانی جامعه مدنی لیبرالیستی در ایران است. گفتمان جامعه مدنی بر مبنای فردگرایی، نفع‌انگاری، عقلانیت و تکثرگرایی است. مهمترین ویژگی‌های خانواده مدرن عبارتند از: پیشرفت فردی، اولویت داشتن تحصیلات و شغل، مسئولیت‌گریزی، ترس از محدود شدن، مانع بودن ازدواج برای پیشرفت، پیشرفت توامان زن و مرد، رهایی از والدین، همسرگزینی آزاد، رد مردسالاری، تساوی حقوقی بین زن و مرد (ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱).

نوسازی از جمله عوامل تاثیرگذار بر روی ارزش‌های خانوادگی است. به‌طور کلی، نوسازی به گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن تعریف می‌شود که منجر به ظهور شیوه‌های زندگی اجتماعی می‌شود (Gavrov & Klukanov, 2015: 707). در واقع، نوسازی اشاره به فرایند تغییری دارد که از طریق آن جوامع سنتی درصدد خودشان را به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با شرایط جهان معاصر تطبیق دهند (Bright, 2000).

فرایند نوسازی با تاکید بر تغییرات ساختی (گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی)، تغییر ارزش‌های خانوادگی سنتی را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی و چهار جریان صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش تحصیلات یا آموزش همگانی، و افزایش میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، مرتبط می‌کند. بر این اساس، تحولات خانوادگی به‌عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به‌عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته، در نظر گرفته می‌شود (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۷).

یکی از مهمترین ابعاد نوسازی در ایران که متضمن پیامدهای مهمی در زمینه ارزش‌های خانوادگی سنتی بوده، توسعه آموزش همگانی بوده است. آموزش مهمترین کانال تغییر نگرشی محسوب می‌شود که با قرار دادن افراد در جریان اندیشه‌ها و اطلاعات جدید هم می‌تواند زمینه‌ساز تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها شود و هم این‌که افراد را در معرض مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و باورها در مورد مزایای خانواده مدرن غربی نسبت به دیگر اشکال خانواده و تغییر نگرش‌های آنها در خصوص ازدواج، طلاق، فرزندآوری و... قرار دهد (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴).

توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همچون رسانه‌های نوین بعد دیگری از نوسازی است که منجر به تغییر و تحولات زیادی در خانواده‌های ایرانی شده است. گیدنز، نقش رسانه‌های نوین را در بازاندیشی مدرنیته بسیار اساسی می‌داند و معتقد است که گسترش جهانی نهادهای مدرنیته، بدون جمع آمدن دانشی که رسانه‌ها ارائه می‌دهند، امکان‌پذیر نبود. بنابراین، رسانه‌ها را باید تاثیرگذار بر شیوه‌های عمل و تعامل مردم با یکدیگر تلقی کرد که صرف نظر از این که چه محتوایی را انتقال می‌دهند، به صورت‌بندی‌های خاص خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی منجر می‌شوند (گیدنز، ۱۳۹۴). در این زمینه، اینکلس و اسمیت<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) نیز معتقدند که استفاده از وسایل ارتباط جمعی منجر به تغییر وجه نظرات و نظام ارزشی افراد شده و آنها را برای زندگی در یک جامعه مدرن آماده می‌کند و افرادی که بیشتر در معرض رسانه‌های ارتباط جمعی قرار می‌گیرند، دیدگاه‌های متفاوتی‌تری از بقیه دارند.

فردگرایی به عنوان بعد دیگری از نوسازی، عبارت است از گرایش ذهنی و رفتاری که به خود مختاری فرد منجر می‌شود و خواسته‌های فردی از اهداف و خواسته‌های دیگران برایش مهمتر هستند (امامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۶). جورجیا<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) ترجیح خواسته‌های فردی بر ارزش‌های جمع‌گرایانه خانواده را فردگرایی می‌داند. به نظر تورنتون (۲۰۰۱) فردگرایی اساس تغییر خانواده در کشورهای صنعتی و دیگر نقاط جهان است (به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲). همچنین امروزه گسترش فردگرایی به عقاید و نگرش‌هایی برای تنها زیستن، همخانگی، طلاق، ازدواج مجدد و کاهش تاثیر هنجارهای اجتماعی بر رفتار فرزندآوری منجر شده است (رستگار خالد و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

نوسازی مستلزم یک فرایند دنیوی‌سازی (عرفی‌شدن) و عقلانی‌شدن نیز است. عرفی‌شدن به این معناست که به‌طور نظام‌مند عقل و علم جایگزین نهادها، اعتقادات و کردارهای مذهبی می‌شود (واترز، ۱۳۸۱: ۲۴۲). رواج ارزش‌های سکولاریستی موجب تغییر در ارزش‌های خانوادگی سنتی می‌شود. در این زمینه، یافته‌های نیلز<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) بیانگر آن است که کاهش میزان ازدواج، افزایش همخانگی و باروری‌های ناشی از روابط فرازنشویی در بلژیک ناشی از رشد عرفی‌شدن ارزش‌ها و باورهای دینی است.

عقلانیت یعنی تلاش برای عقلانی کردن هر چیز، شکستن و ویران‌گری عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزش‌ها، حسن‌ها، باورها و در یک کلام شیوه‌های

1. Inkeles & Smith  
2. Georga  
3. Neels



مادی و فکری زندگی کهن (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷). در عقلانیت ابزاری، روابط افراد فقط در چارچوب محاسبه‌های خشک و بی‌عاطفه مالی شکل می‌گیرد و انسان‌هایی با ذهنیت‌های جدید، با خواسته‌های متفاوت در حوزه خانواده رشد می‌کنند و خانواده به سوی دگرگونی نگرش‌ها، ارزش‌ها و نقش‌ها پیش می‌رود (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

بازاندیشی به‌عنوان بعد دیگر نوسازی، به این واقعیت اشاره دارد که در فضای حرکت به سمت مدرنیته، ما مجبوریم پیوسته درباره اوضاع زندگی‌مان تدبّر و تأمل کنیم. ویژگی مدرنیته بازاندیشی درباره همه چیز است و بازاندیشی در باب سنت و ارزش‌های سنتی یا پیشین جامعه یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته است (صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۴). بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته آزموده می‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آنها اصلاح می‌شوند و بدین‌سان، خصلت‌شان را به گونه اساسی دگرگون می‌سازند (گیدنز، ۱۳۹۴: ۴۷). بازاندیشی مدرن یکی از مهمترین عوامل اساسی در تغییر ارزش‌های خانوادگی سنتی همچون نگرش به فرزندآوری و روابط فرازنشویی است (قریشی‌راد و پورجبار، ۲۰۱۸؛ چمنی و همکاران، ۱۳۹۴).

امروزه با پیدایش شرایط جدید اجتماعی و اقتصادی، شاهد پیدایش و گسترش نگرش‌های جنسیتی جدیدی هستیم که در آنها بر برابری زنان و مردان در همه و یا بیشتر جنبه‌های زندگی اجتماعی تأکید می‌شود که از آنها تحت عنوان نگرش‌های جنسیتی مساوات‌طلبانه یاد می‌شود (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳: ۲۸۹). در این راستا، گیدنز نیز معتقد است که در جوامع مدرن نقش جنسیتی زن و مرد که در گذشته به ترتیب خانه‌داری و نان‌آوری بود، تغییر کرده است و زن و مرد بودن، از نظر وظایف و هویت‌هایی که ایجاب می‌کند، معنای روشن و مشخص ندارد و امروزه زنان و مردان در چارچوب سرنوشتی که به واسطه نقش آنها از پیش تعیین شده است زندگی نمی‌کنند. همچنین، موقعیت زنان و روابط میان دو جنس هر چه بیشتر مساوات طلب‌تر شده است (گیدنز، ۱۳۹۴). در این زمینه، مک‌دونالد نیز معتقد است که امروزه تحت تأثیر اندیشه‌های برابری جنسیتی، نهادها زن را جدای از نقش‌های وی به عنوان یک همسر، مادر و یا یک عضوی از خانواده به عنوان یک فرد در نظر می‌گیرند (McDonald, 2000: 3). به‌طوری که در دوران مدرن، ارزش‌هایی چون وفاداری و همدردی زن و مرد نسبت به هم، تولید مثل و تولد فرزندان و نقش‌های جنسیتی مانند نان‌آور بودن مرد و خانه‌دار بودن زن، وظیفه تربیت فرزند و غیره نیز به شدت زیر سؤال رفته و بسیار کمرنگ شده‌اند و نهاد خانواده و ارزش‌های آن، به هیچ وجه آن قداست خاص دوران ماقبل صنعتی و مدرن را ندارد. در نتیجه امروزه افراد به ویژه زنان برای خود نقش‌ها و وظایفی قائل می‌شوند که در راستای توسعه و پیشرفت فردی آنان

باشد. به عبارت دیگر، امروزه زنان فراتر از حوزه خصوصی و نقش مادری و همسری نقش بر عهده می‌گیرند و منابع هویت‌ساز آنان متنوع شده است (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

نظریه‌پردازان مدرنیته معتقدند که فرایند نوسازی و رهایی از سنت‌ها به افراد حق انتخاب بیشتری می‌دهد و مجموعه الگومندی جهت تصمیم‌گیری افراد در کنش‌های‌شان به وجود می‌آورد. به طوری که زیمیل معتقد است زندگی در شهرهای مدرن امروزی، فشارهای ساختاری شدیدی بر افراد وارد می‌کند، تعلقات گروهی از بین رفته و درگیر شدن در نظام تقسیم کار پیچیده، دست‌مایه‌های هویت و تمایز از دیگران را زایل کرده است. در چنین وضعیتی، شیوه خاص مصرف کردن و سبک زندگی، راهی برای بیان خود در رابطه با دیگران و انبوه جمعیت حاضر در کلان‌شهر است. افراد در در مواجهه با گمنامی حاصل از زندگی در شهر، برای حفظ هویت خویش از مصرف بهره می‌گیرند (افشانی، ۱۳۹۳: ۳۳). مصرف‌گرایی پیامدهای متعددی برای فرد، خانواده و جامعه دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش بار اقتصادی و هزینه‌های خانواده، افزایش تضادها و درگیری‌های زناشویی و تغییر نگرش افراد به ارزش‌های خانوادگی سنتی و امثال آن اشاره کرد (حبیب‌پور گتایی و بابایی همتی، ۱۳۹۵: ۹۶).

### فرضیه‌های پژوهش

ارزش‌های خانوادگی سنتی و مولفه‌های آن در بین نسل‌های مختلف، متفاوت است.

بین نوسازی با ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل‌های مختلف، رابطه وجود دارد.

نوسازی تاثیر معناداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل‌های مختلف دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، پیمایشی است و داده‌های آن با بهره‌گیری از پرسشنامه در سال ۱۳۹۷ در شهر تبریز جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش، خانوارهای معمولی شهر تبریز است که تعداد آنها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۶۳۶۶۰ خانوار است. لازم به ذکر است که خانوار معمولی دو گونه است: ۱) خانوار ساده؛ که خانواری است که از یک خانواده زیستی یعنی زن و شوهر و فرزندان آنها تشکیل می‌شود و افراد دیگری در آن زندگی نمی‌کند، و ۲) خانوار ترکیبی؛ که از دو یا چند خانواده زیستی و یا از یک خانواده زیستی و تعدادی از بستگان دیگر ترکیب می‌یابد (تقوی، ۱۳۹۵: ۵۴). در واقع، زنان و مردان ۱۸ سال و بالاتر شهر تبریز که در سال ۱۳۹۷، متاهل، مطلقه، همسر یا شوهر فوت کرده بودند جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده‌اند.

روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش کار نمونه‌گیری به این صورت است که در مرحله نخست، هر یک از مناطق ده‌گانه شهرداری تبریز به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. در مرحله دوم، کار نمونه‌گیری در داخل هر یک از خوشه‌ها انجام شد و بر اساس آن اغلب بلوک‌ها یا ساختمان‌های هر یک از خوشه‌ها در طرح نمونه‌گیری قرار گرفتند. در مرحله سوم به تناسب تعداد خانوارها در بلوک‌های انتخاب‌شده نمونه‌نهایی انتخاب شد و پرسشنامه‌ها تکمیل شدند. حجم نمونه پس از انجام پیش‌آزمون و تعیین واریانس متغیر وابسته در جامعه آماری، با استفاده از فرمول کوکران، ۶۰۰ نفر برآورد شد.

در پژوهش حاضر برای مطالعه تغییر و تحولات ارزش‌های خانوادگی با استناد به پژوهش سرایی و اوچاقلو (۱۳۹۲)، پاسخگویان را بر اساس حوادث و تجربه‌های تاریخی مشترکی که تجربه کرده‌اند به چهار نسل تقسیم نموده‌ایم. این چهار نسل عبارتند از:

نسل اول) نسل قبل از اصلاحات ارضی (متولدین قبل از سال ۱۳۴۲): افراد ۵۵ سال و بالاتر؛

نسل دوم) نسل قبل از انقلاب ایران (متولدین سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷): افراد ۴۰ تا ۵۴ سال؛

نسل سوم) نسل انقلاب و جنگ (متولدین سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷): افراد ۳۰ تا ۳۹ سال؛

نسل چهارم) نسل بعد از جنگ تحمیلی (متولدین سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹): افراد ۱۸ تا ۲۹ سال؛

### تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم پژوهش

**ارزش‌های خانوادگی:** به دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و باورهای درونی‌شده افراد در خصوص خانواده و مسائل مربوط به خانواده گفته می‌شود (Chan, 2016: 21). در پژوهش حاضر، ارزش‌های خانوادگی سنتی با استفاده از مولفه‌های نگرش به خانواده، نگرش مثبت به ازدواج، نگرش مثبت به فرزندآوری، نگرش منفی به روابط فرزندناشویی، و نگرش منفی به طلاق در قالب طیف لیکرت پنج درجه‌ای سنجیده شده است. جهت تعیین اعتبار گویه‌ها از دو روش اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا بعد از بررسی مطالعات و منابع گوناگون داخلی و خارجی، برای سنجش ارزش‌های خانوادگی سنتی ۳۵ گویه مشخص شد و در اختیار سه تن از اساتید علوم اجتماعی قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا مناسب‌ترین گویه‌ها را به ترتیب اولویت انتخاب کنند. سپس برای مشخص کردن اعتبار سازه، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. در پرتوی تحلیل عاملی، گویه‌هایی که دارای بار عاملی پایینی بودند حذف شدند و گویه‌های نهایی به دست آمدند. پایایی گویه‌ها به وسیله ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و مقدار آن برای مولفه‌های نگرش به خانواده ۰/۷۵، نگرش مثبت به ازدواج ۰/۸۱، نگرش مثبت به فرزندآوری

۰/۸۲، نگرش منفی نسبت به روابط فرازنشویی ۰/۸۰، نگرش منفی به طلاق ۰/۸۶ و کل ارزش‌های خانوادگی سنتی ۰/۹۲ به دست آمد.

### جدول شماره ۱: ابعاد و گویه‌های متغیر ارزش‌های خانوادگی سنتی

بعد	گویه‌ها
نگرش مثبت به خانواده	دور هم جمع بودن با اعضای خانواده‌ام برای من یکی از لذت‌بخش‌ترین کارها در زندگی است. اکثر مواقع، وقت کافی برای گفتگو و حرف زدن با اعضای خانواده‌ام اختصاص می‌دهم. حتی اگر اعضای بزرگتر خانواده نظرات متفاوتی با ما داشته باشند، باید با احترام با آنها برخورد شود. فرزندان باید بدون داشتن هر گونه چشمداشتی از والدین‌شان، به اهل خانواده کمک (مثلاً مالی) کنند. فرزندان تا وقتی که مجرد هستند، باید با والدین‌شان زندگی کنند (مجردی زندگی نکنند).
نگرش مثبت به ازدواج	به نظر من، ازدواج یک انتخاب ضروری و اساسی در زندگی هر فرد است. به نظر من، ازدواج باعث پیشرفت و تعالی روحی انسان می‌شود. به نظر من، انسان با ازدواج کردن، استقلال و آزادی فردی خود را از دست می‌دهد. به نظر من، ازدواج تنها راه تامین نیازهای جنسی هر فرد است. به نظر من، دخترها و پسرها باید بخاطر پیشرفت تحصیلی و شغلی، ازدواج خود را به تاخیر بیندازند. به نظر من، ازدواج، افراد را در رسیدن به اهداف‌شان محدود می‌کند. به نظر من، دین و ایمان انسان بدون ازدواج کامل نمی‌شود.
نگرش مثبت به فرزندآوری	به نظر من، به دنیا آوردن فرزند و بزرگ کردن آن بزرگ‌ترین دستاورد زندگی یک فرد است. به نظر من، خوشبختی خانواده بدون داشتن بچه محقق نمی‌شود. خانواده‌هایی که بچه ندارند به نظر من زندگی یکنواخت و کسل‌کننده‌ای دارند. به نظر من، وجود بچه در خانواده به مستحکم‌تر شدن رابطه زن و مرد کمک می‌کند. به نظر من، وجود بچه باعث دور ماندن والدین از فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. معتقدم که با تولد فرزند، مشکلات و فشارهای زیادی به زندگی والدین تحمیل می‌شود. به نظر من، با به دنیا آمدن بچه، راحتی، آسایش و تفریح آدم در زندگی کم می‌شود.
نگرش منفی نسبت به روابط فرازنشویی	داشتن شریک جنسی (به جز همسر) برای افراد متاهل تحت هر شرایطی غیرقابل پذیرش است. درد و دل کردن با جنس مخالف در فضای مجازی نوعی خیانت یا بی‌وفایی به همسر است. داشتن شریک جنسی (به جز همسر) از بدترین کارهایی است که یک فرد متاهل می‌تواند انجام دهد. اگر زن و مرد نتوانند نیازهای جنسی همدیگر را تامین کنند، می‌توانند با فرد دیگری رابطه جنسی برقرار کنند. به نظر من، داشتن شریک جنسی (به جز همسر) زمینه‌ای برای طلاق است.
نگرش منفی به طلاق	طلاق امری ناپسند است و تا حد امکان باید از آن پرهیز کرد. به نظر من طلاق گرفتن مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه مشکلی بر مشکلات می‌افزاید. طلاق یک انگ اجتماعی است و من حاضر نیستم این انگ را تحمل کنم. طلاق گرفتن راهی درست برای پایان دادن به اختلافات خانوادگی است. زن باید با لباس سفید به خانه شوهر برود و با لباس سفید از آن خارج شود. طلاق برای رهایی از شرایط نامساعد زندگی مشترک، بهترین گزینه است. می‌توان طلاق گرفت و در تجربه دوّم، زندگی بهتری ساخت.

**نوسازی:** فرایند دگرگونی اجتماعی است که در آن کشورهای در حال توسعه ارزش‌ها، باورها و ویژگی‌های معرف کشورهای توسعه‌یافته را به خود می‌گیرند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۱۷). در پژوهش حاضر برای سنجش نوسازی از مولفه‌های میزان تحصیلات فرد، میزان استفاده از رسانه‌های نوین، عقلانیت ابزاری، فردگرایی، بازاندیشی، مساوات‌طلبی جنسیتی، عرفی‌شدن و مصرف‌گرایی استفاده شده است. اعتبار صوری و سازه‌ای این مقیاس با استفاده از نظرات اساتید علوم اجتماعی و تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت. پایایی گویه‌ها به‌وسیله ضریب آلفای کرونباخ برای عقلانیت ابزاری ۰/۷۰، فردگرایی ۰/۷۰، بازاندیشی ۰/۸۷، مساوات‌طلبی جنسیتی ۰/۸۰، عرفی‌شدن ۰/۹۵، و مصرف‌گرایی ۰/۹۲ به‌دست آمد.

#### جدول شماره ۲: ابعاد و گویه‌های متغیر نوسازی

بعد	گویه‌ها
تحصیلات	میزان تحصیلات فرد
رسانه‌های نوین	میزان استفاده فرد از شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی
فردگرایی	وقتی با دیگران همکاری می‌کنم، احساس خوبی دارم. در کارهایی که به ارزیابی دیگران توجهی ندارم. هنگام تصمیم‌گیری‌های مهم نظر خودم مهمتر از دیگران است. در راه رسیدن به اهدافم، منافع و حقوق دیگران را هم در نظر می‌گیرم. من برای رسیدن به موفقیت، فقط روی خودم حساب می‌کنم و بس. این روزها وضع طوری شده است که هر کس باید به فکر خودش باشد.
عقلانیت ابزاری	انسان هر چقدر هم تلاش کند بیشتر از قسمت و روزی خود نمی‌تواند به‌دست آورد. سرنوشت انسان از پیش تعیین شده است و نمی‌توان آن را تغییر داد. برای اینکه آدم آینده خوبی داشته باشد شانس خیلی تأثیرگذارتر از تلاش شبانه‌روزی اوست. قبل از انجام هر کاری سود و زیان آن را برای خانواده‌ام در نظر می‌گیرم. موفقیت‌هایی که در زندگی‌ام داشته‌ام حاصل برنامه‌ریزی بوده است تا شانس. اغلب مواقع، مشکلات زندگی افراد از بی‌برنامه‌گی و سهل‌انگاری خودشان ناشی می‌شود. به‌نظر من، برای اداره و حل مشکلات جامعه باید از نتایج تحقیقات علمی استفاده کنیم.
مساوات‌طلبی جنسیتی	من و همسر از اختیارات یکسانی در خانواده برخوردار هستیم. زنان همچون مردان توانایی فعالیت در پست‌های سیاسی را ندارند. زن و مرد در خانواده و جامعه باید از حق و حقوق یکسانی برخوردار باشند. شرایط استخدام زنان و مردان در جامعه نباید یکسان باشد. بسیاری از مشاغل را زنان به‌همان خوبی مردان انجام می‌دهند. زنان همچون مردان توانایی مدیریت و تصمیم‌گیری‌های مهم و حساس را ندارند.

## ادامه جدول شماره ۲:

بعد	گویه‌ها
بازاندیشی	<p>یک زن نباید به کارهای مردانه‌ای مثل تأمین معاش خانواده بپردازد. یک مرد نباید به کارهای زنانه‌ای مثل خانه‌داری و آشپزی و نگهداری از فرزند بپردازد. وظیفه زن انجام امور مربوط به خانه و وظیفه مرد رسیدگی به امور خارج از خانه و تأمین معاش خانواده است. زنان احتیاج چندانی به تحصیلات در مقاطع بالا ندارند. زن امروز نباید محبوس در خانه و آشپزخانه باشد. اشتغال برای زن امروزی یک ضرورت مهم است. بسیاری از سنت‌های جامعه‌مان باید بر اساس نیازهای امروز مورد بازنگری قرار گیرند. پایبندی به ارزش‌های سنتی در جامعه باعث عقب ماندگی است. سنت‌های جامعه باید تا جایی حفظ شوند که با عقل سازگار باشند. سنت‌ها و آیین‌های دینی و مذهبی که در جامعه مقدس تلقی می‌شوند را نباید نقد کرد. با وجود علوم روز پزشکی، آیین‌های سنتی همچون دعا و توسل تأثیر چندانی در شفای بیماری ندارند. برای حفظ تناسب اندامم از خوردن غذاهای پُر چرب یا پُر کالری خودداری می‌کنم. داشتن اندام متناسب و زیبا یکی از عوامل کسب موفقیت در جامعه است. در صورت لزوم برای داشتن اندام متناسب و زیبا باید جراحی زیبایی انجام داد. برای حفظ تناسب اندامم مرتب ورزش می‌کنم. برای حفظ تناسب اندامم به رژیم غذایی‌ام توجه می‌کنم. داشتن اندام متناسب باعث جذابیت افراد می‌شود.</p>
مصرف‌گرایی	<p>میزان خرید وسایل مد روز، میزان خرید وسایل گران قیمت، میزان خرید از مغازه‌های بالا شهر و لوکس، مهمتر بودن شیک بودن وسایل از کیفیت آنها برای فرد، کسب منزلت و پرستیژ از خرید وسایل گران قیمت، لذت‌بخش بودن خرید کالاهای مارک‌دار، تنوع در خرید استفاده از وسایل مارک‌دار، بستگی داشتن منزلت اجتماعی فرد به خرید و استفاده از کالاهای مارک‌دار</p>
عرفی‌شدن	<p>خواندن نماز، خواندن قرآن، روزه گرفتن، رفتن به نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه، شرکت در جشن‌ها و مراسم مذهبی، اعتقاد به خدا، اعتقاد به قرآن کریم، اعتقاد به پیامبران، اعتقاد به روز قیامت، اعتقاد به ظهور امام زمان، دست دادن احساس ترس از خداوند، احساس توبه کردن از گناهان و درخواست از خداوند برای جبران آنها، پوچ و بی‌هدف بودن زندگی بدون اعتقادات دینی، احساس آرامش کردن موقع رفتن به حرم امامان و امام‌زاده‌ها، مبارزه با بدحجابی، سخت‌گیری در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی، جلوگیری از انتشار کتاب‌ها و فیلم‌های در تعارض با اعتقادات و باورهای مذهبی، به در رأس کار بودن افراد دیندار و مذهبی، به درد پست‌های دولتی نخوردن سیاستمداران غیرمذهبی و بی‌اعتقاد به خدا</p>

## یافته‌های پژوهش

در جدول ۳، توصیف متغیرهای زمینه‌ای پژوهش در نسل‌های مختلف برحسب درصد آورده شده است. لازم به ذکر است که ۵۰ درصد پاسخگویان زن و ۵۰ درصد مرد هستند. همچنین پاسخگویان در بازه سنی ۱۸-۸۷ سال قرار دارند و میانگین سنی آنها ۴۲/۴۹ سال است.

جدول شماره ۳: توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	ابعاد	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	نسل چهارم
جنس	زن	۴۷/۲	۵۲/۹	۵۲/۹	۴۷/۹
	مرد	۵۲/۸	۴۷/۱	۴۷/۱	۵۲/۱
تحصیلات	بی‌سواد	۳۳/۱	۰	۰	۰
	ابتدایی	۱۹/۶	۳/۷	۱/۵	۱/۲
	راهنمایی	۱۱	۱۴	۳/۷	۱/۸
	متوسطه	۲۱/۵	۴۰/۴	۲۱/۳	۴۰/۶
	کاردانی و کارشناسی	۱۲/۹	۲۵/۷	۴۴/۱	۴۷/۹
	کارشناسی‌ارشد و بالاتر	۱/۸	۱۶/۲	۲۹/۴	۸/۵
	بالا	۴/۳	۲۲/۸	۲۲/۸	۱۹/۲
پایگاه اقتصادی اجتماعی	متوسط رو به بالا	۳۸/۷	۳۲/۴	۲۷/۹	۳۳
	متوسط رو به پایین	۴۴/۸	۲۲/۸	۲۱/۳	۲۹/۵
	پایین	۱۲/۳	۲۲/۱	۲۷/۹	۱۸/۳

در جدول شماره ۴ با توجه به میانگین ارزش‌های خانوادگی و مولفه‌های آن، می‌توان گفت که میزان ارزش‌های خانوادگی سنتی بالاتر از سطح متوسط است؛ این بدین معناست که بیشتر پاسخگویان از ارزش‌های خانوادگی سنتی برخوردارند. میزان نگرش به خانواده یا خانواده‌گرایی و نگرش منفی نسبت به روابط فرازناشویی نیز در سطح بالایی قرار دارد، که بیانگر سنتی بودن نگرش افراد در خصوص خانواده‌گرایی و روابط فرازناشویی است. اما میزان نگرش مثبت به فرزندآوری و نگرش منفی به طلاق در سطح متوسطی قرار دارد. همچنین میزان نوسازی و تمامی مولفه‌های آن (به‌جز مصرف‌گرایی) در سطح متوسطی قرار دارند. میزان مصرف‌گرایی پایین‌تر از سطح متوسط است.

جدول شماره ۴: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	میانگین	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
نگرش به خانواده	۲۰/۱۹	-۰/۸۳۱	۰/۵۶۹	۵	۲۵
نگرش مثبت به ازدواج	۲۵/۶۴	-۰/۳۱۵	-۰/۴۲۲	۷	۳۵
نگرش مثبت به فرزندآوری	۲۳/۹۸	-۰/۰۷۴	-۰/۰۷۵	۷	۳۵
نگرش منفی به روابط فرازناشویی	۱۶/۳۱	-۰/۹۷۶	۰/۲۹۳	۵	۲۱
نگرش منفی به طلاق	۲۳/۰۲	-۰/۰۲۹	-۰/۳۷۶	۷	۳۵
ارزش‌های خانوادگی سنتی	۱۱۳/۵۵	-۰/۳۸۸	۰/۲۵۲	۴۰	۱۵۵

ادامه جدول شماره ۴:

متغیر	میانگین	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
عقلانیت ابزاری	۳۳/۳۳	۰/۴۱۸	۰/۴۳۵	۲۰	۵۰
فردگرایی	۱۷/۱۵	۰/۰۸۵	-۰/۰۵۶	۶	۳۰
بازاندیشی	۵۵/۳۹	-۰/۶۲۴	۰/۹۹۸	۱۷	۸۵
مساوات‌طلبی جنسیتی	۲۰/۶۵	-۰/۳۷۵	-۰/۰۸۳	۶	۳۰
مصرف‌گرایی	۱۹/۰۸	۰/۴۹۶	-۰/۲۳۷	۸	۵۴
استفاده از رسانه‌های نوین	۱۰/۴۹	۰/۳۵۶	-۰/۹۲۵	۳	۲۱
عرفی‌شدن	۵۴/۶۵	۰/۴۹۲	-۰/۳۲۴	۲۲	۱۰۴
نوسازی	۲۰۴/۱۳	۰/۱۲۷	۰/۴۵۵	۱۰۵	۳۳۱

نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه برای بررسی تفاوت میانگین در ارزش‌های خانوادگی و مولفه‌های آن نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نسل‌ها در خصوص نگرش به خانواده، ازدواج، فرزندآوری، طلاق و ارزش‌های خانوادگی از لحاظ آماری معنادار است. اما میانگین نگرش به روابط فرزندآشویی در بین نسل‌های مختلف معنادار نیست. نتایج آزمون تعقیبی LSD برای ارزش‌های خانوادگی و مولفه‌های آن بر حسب گروه‌های مورد بررسی نشان داد که پاسخگویان نسل‌های اول و دوم نگرش سنتی‌تری به خانواده نسبت به نسل چهارم دارند. پاسخگویان نسل اول در خصوص ازدواج و فرزندآوری بیشتر از سایر نسل‌های دیگر از نگرش‌های سنتی برخوردارند. در خصوص طلاق نیز نسل‌های اول نسبت به نسل‌های سوم و چهارم از نگرش سنتی یا منفی برخوردارند. در مجموع، نسل‌های اول نسبت به نسل‌های دیگر نگرش سنتی‌تری به ارزش‌های خانوادگی دارند.

جدول شماره ۵: آزمون تفاوت میانگین (F) ارزش‌های خانوادگی و مولفه‌های آن بر حسب نسل

متغیر	شاخص	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	نسل چهارم
نگرش به خانواده	میانگین	۲۰/۵۵	۲۰/۴۸	۲۰/۳۱	۱۹/۵۰
	مقدار F		۲/۷۸	Sig=۰/۰۴۰	
نگرش به ازدواج	میانگین	۲۷/۸۷	۲۵/۸۳	۲۴/۷۹	۲۳/۹۸
	مقدار F		۱۳/۶۰	Sig=۰/۰۰۰	
نگرش به فرزندآوری	میانگین	۲۶/۵۲	۲۴/۲۷	۲۳/۳۴	۲۱/۷۶
	مقدار F		۱۸/۸۴	Sig=۰/۰۰۰	
نگرش به روابط فرزندآشویی	میانگین	۱۶/۷۰	۱۶/۱۱	۱۶/۲۲	۱۶/۱۶
	مقدار F		۰/۸۳	Sig=۰/۴۷۷	
نگرش به طلاق	میانگین	۲۴/۸۰	۲۳/۳۷	۲۲/۲۷	۲۱/۵۷
	مقدار F		۷/۰۲	Sig=۰/۰۰۰	
ارزش‌های خانوادگی	میانگین	۱۲۰/۷۴	۱۱۴/۴۵	۱۱۱/۱۲	۱۰۷/۷۲
	مقدار F		۱۲/۱۹	Sig=۰/۰۰۰	



اطلاعات جدول ۶ بیانگر آن است که در نسل اول بین نوسازی و مولفه‌های آن با ارزش‌های خانوادگی سنتی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد. در نسل دوم بین نوسازی و تمامی مولفه‌های آن (به جز بعد مساوات‌طلبی جنسیتی) با ارزش‌های خانوادگی سنتی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد. در نسل‌های سوم و چهارم نیز بین نوسازی و مولفه‌های آن (به جز بعد عقلانیت ابزاری و مساوات‌طلبی جنسیتی) با ارزش‌های خانوادگی سنتی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

جدول شماره ۶: نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین نوسازی و ارزش‌های خانوادگی سنتی

ابعاد	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	نسل چهارم
فردگرایی	-۰/۲۶ <sup>xx</sup>	-۰/۲۶ <sup>xx</sup>	-۰/۳۵ <sup>xx</sup>	-۰/۲۹ <sup>xx</sup>
عقلانیت ابزاری	-۰/۲۴ <sup>xx</sup>	-۰/۱۸ <sup>xx</sup>	-۰/۰۳	-۰/۰۴
بازاندیشی	-۰/۳۳ <sup>xx</sup>	-۰/۳۸ <sup>xx</sup>	-۰/۳۰ <sup>xx</sup>	-۰/۴۵ <sup>xx</sup>
مساوات‌طلبی جنسیتی	-۰/۱۵ <sup>*</sup>	۰/۰۳	-۰/۱۰	-۰/۱۰
مصرف‌گرایی	-۰/۲۸ <sup>xx</sup>	-۰/۳۰ <sup>xx</sup>	-۰/۳۱ <sup>xx</sup>	-۰/۴۴ <sup>xx</sup>
عرفی‌شدن	-۰/۴۵ <sup>xx</sup>	-۰/۴۹ <sup>xx</sup>	-۰/۵۰ <sup>xx</sup>	-۰/۵۵ <sup>xx</sup>
استفاده از رسانه‌های نوین	-۰/۳۰ <sup>xx</sup>	-۰/۲۵ <sup>xx</sup>	-۰/۳۱ <sup>xx</sup>	-۰/۲۵ <sup>xx</sup>
نوسازی	-۰/۴۴ <sup>xx</sup>	-۰/۵۲ <sup>xx</sup>	-۰/۵۴ <sup>xx</sup>	-۰/۶۰ <sup>xx</sup>

\*\* معناداری در سطح ۰/۰۱      \* معناداری در سطح ۰/۰۵

در فرضیه سوم پژوهش حاضر مطرح شد که نوسازی و مولفه‌های آن تاثیر معناداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل‌های مختلف دارند. یکی از مولفه‌های نوسازی در پژوهش حاضر، تحصیلات است. آزمون این فرضیه بیانگر آن است که بین میزان تحصیلات و میانگین ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل‌های اول تا سوم به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد، اما در نسل چهارم این اختلاف معنادار نیست. در نسل اول با افزایش میزان تحصیلات افراد به‌طور محسوسی ارزش‌های خانوادگی افراد از سنتی فاصله گرفته و مدرن می‌شود. به‌طوری که ارزش‌های خانوادگی افراد بی‌سواد سنتی‌تر از افراد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، متوسط و دانشگاهی است. همچنین ارزش‌های خانوادگی افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، مدرن‌تر از افراد دارای تحصیلات متوسطه، راهنمایی و ابتدایی است. در نسل دوم نگرش به ارزش‌های خانوادگی در بین افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و بالاتر هستند مدرن‌تر از افرادی است که دارای تحصیلات متوسطه، راهنمایی و ابتدایی هستند. همچنین در این نسل تفاوت معناداری در نگرش‌های افراد دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی نسبت به افراد دارای تحصیلات متوسطه، راهنمایی و ابتدایی در زمینه ارزش‌های خانوادگی به چشم نمی‌خورد. در نسل

سوم، نگرش به ارزش‌های خانوادگی در بین افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و بالاتر هستند مدرن‌تر از افرادی است که دارای تحصیلات کارشناسی و کاردانی، دیپلم و زیردیپلم هستند. همچنین در این نسل تفاوت معناداری در نگرش‌های افراد دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی نسبت به افراد دارای تحصیلات دیپلم و زیردیپلم در زمینه ارزش‌های خانوادگی وجود ندارد.

جدول شماره ۷: اختلاف میانگین ارزش‌های خانوادگی سنتی بر حسب تحصیلات در نسل‌های مختلف

نسل	متغیر	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
اول	بی‌سواد	۱۳۱/۶۲	۱۸/۰۶	۱۵/۹۶	۰/۰۰۰
	ابتدایی و راهنمایی	۱۲۳	۱۸/۲۰		
	متوسطه	۱۱۴/۷۱	۲۰/۶۴		
	تحصیلات دانشگاهی	۱۰۰/۳۳	۲۲/۳۶		
دوم	ابتدایی و راهنمایی	۱۱۹/۴۵	۱۲/۷۰	۳/۷۲	۰/۰۱۳
	متوسطه	۱۱۸/۳۶	۱۸/۹۵		
	کاردانی و کارشناسی	۱۱۲/۲۸	۲۳/۷۶		
	کارشناسی‌ارشد و بالاتر	۱۰۲/۶۸	۲۴/۵۳		
سوم	دیپلم و زیر دیپلم	۱۱۳/۹۱	۱۸/۱۷	۳/۸۵	۰/۰۲۴
	کاردانی و کارشناسی	۱۱۴/۰۳	۱۷/۱۰		
	کارشناسی‌ارشد و بالاتر	۱۰۴/۲۵	۲۱/۱۰		
چهارم	دیپلم و زیردیپلم	۱۰۷/۸۳	۱۹/۷۹	۰/۰۰۴	۰/۹۹۶
	کارشناسی	۱۰۷/۵۹	۱۶/۲۳		
	کارشناسی‌ارشد و بالاتر	۱۰۷/۹۲	۲۶/۲۱		

برای مشخص شدن تاثیر مولفه‌های نوسازی بر ارزش‌های خانوادگی سنتی پاسخگویان در نسل‌های مختلف از آزمون رگرسیون استفاده شده است. تمامی پیش‌فرض‌های رگرسیون جهت آزمون رگرسیون برقرار بوده به طوری که سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیروف برای متغیر ارزش‌های خانوادگی برابر با ۰/۲۶۷ است که نشانگر آن است که توزیع داده‌های متغیر وابسته نرمال است. تمامی مقادیر آزمون دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارند که نشان می‌دهد خطاها یا باقیمانده‌ها مستقل از هم هستند. مقادیر به دست آمده از آزمون تولرانس که همگی بالاتر از ۰/۷۰ و نزدیک به ۱ هستند، بیانگر آن است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالا یا هم‌خطی وجود ندارد.

اطلاعات جدول شماره ۶ بیانگر آن است که مولفه‌های نوسازی که با استفاده از روش گام به گام وارد مدل رگرسیون پژوهش شده‌اند، توانسته‌اند تاثیر معناداری بر روی ارزش‌های خانوادگی

پاسخگویان در نسل‌های مختلف داشته باشند. مولفه‌های نوسازی در نسل اول ۰/۲۸، در نسل دوم ۰/۳۱، نسل سوم ۰/۳۴ و در نسل چهارم ۰/۴۴ از تغییرات ارزش‌های خانوادگی پاسخگویان را تبیین کرده‌اند. در تمامی نسل‌ها مولفه عرفی‌شدن بیشترین تاثیر را در تغییر ارزش‌های خانوادگی سنتی افراد داشته است.

جدول شماره ۸: آزمون رگرسیون چندگانه جهت تبیین ارزش‌های خانوادگی سنتی

نسل	متغیر مستقل	B	Beta	t	Sig	R <sup>2</sup>	F	Sig
اول	عرفی‌شدن	-۰/۴۲	-۰/۳۱	-۵/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۲۸	۱۷/۲۹	۰/۰۰۰
	تحصیلات	-۲/۷۰	-۰/۱۹	-۳/۱۳	۰/۰۰۲			
	عرفی‌شدن	-۰/۴۴	-۰/۳۷	-۴/۶۸	۰/۰۰۰			
دوم	بازاندیشی	-۰/۶۵	-۰/۳۱	-۳/۶۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱	۲۰/۰۶	۰/۰۰۰
	مساوات‌طلبی	-۰/۷۵	-۰/۱۷	-۲/۱۴	۰/۰۳۴			
	عرفی‌شدن	-۰/۴۱	-۰/۴۱	-۵/۶۳	۰/۰۰۰			
سوم	مصرف‌گرایی	-۰/۴۳	-۰/۲۰	-۲/۷۱	۰/۰۰۷	۰/۳۴	۲۲/۷۵	۰/۰۰۰
	فردگرایی	-۱/۰۲	-۰/۲۰	-۲/۶۸	۰/۰۰۸			
	عرفی‌شدن	-۰/۴۴	-۰/۳۹	-۵/۸۵	۰/۰۰۰			
چهارم	بازاندیشی	-۰/۶۶	-۰/۳۲	-۴/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۴۴	۳۱/۳۴	۰/۰۰۰
	مصرف‌گرایی	-۰/۴۰	-۰/۱۷	-۲/۶۳	۰/۰۰۹			
	عقلانیت	-۰/۶۸	-۰/۱۶	-۲/۵۰	۰/۰۱۳			

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان ارزش‌های خانوادگی سنتی پاسخگویان بالاتر از سطح متوسط است و بیشتر مشارکت‌کنندگان از ارزش‌های خانوادگی سنتی برخوردارند. همچنین در بین مولفه‌های ارزش‌های خانوادگی سنتی، میزان نگرش مثبت به خانواده و نگرش منفی نسبت به روابط فرازناشویی نیز بالاتر از سطح متوسط است، که بیانگر سنتی بودن نگرش افراد در خصوص خانواده‌گرایی و روابط فرازناشویی است. میزان نگرش مثبت به فرزندآوری و نگرش منفی به طلاق در سطح متوسطی قرار دارد. این بدین معناست که نگرش‌های افراد در زمینه فرزندآوری و طلاق، ترکیبی از نگرش‌های سنتی و مدرن است. در این زمینه، یافته‌های امامی و همکارانش (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که اگر چه نوسازی به عنوان یک جریان موثر در تحول ساختارهای اجتماعی بر خانواده تاثیر گذاشته است، اما این موضوع به معنای از بین رفتن خانواده و ارزش‌های سنتی آن نیست. به طوری که میزان خانواده‌گرایی در اصفهان که تحت تاثیر برنامه‌های نوسازی قرار داشته، بالاتر از سطح متوسط است.

از لحاظ تجربه نوسازی و مولفه‌های آن، یافته‌ها حاکی از آن است که میزان نوسازی و تمامی مولفه‌های آن (به‌جز مصرف‌گرایی) در سطح متوسطی قرار دارند. یعنی بخش قابل توجهی از پاسخگویان در زندگی روزمره خود عقلانیت ابزاری، فردگرایی، بازندیشی، عرفی‌شدن و استفاده از رسانه‌های نوین را تجربه کرده‌اند. اما میزان مصرف‌گرایی در بین مشارکت‌کنندگان پایین‌تر از سطح متوسط است. در این زمینه، یافته‌های پژوهش زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱)، افشانی (۱۳۹۳)، ربیعی و همکاران (۱۳۹۳) نیز بیانگر آن است که میانگین تجربه نوسازی در شهرهایی همچون اصفهان و یزد در سطح متوسط یا متوسط رو به بالا است.

همچنین تفاوت میانگین نسل‌ها در خصوص ارزش‌های خانوادگی سنتی و مولفه‌های آن (نگرش به خانواده، ازدواج، فرزندآوری و طلاق) به لحاظ آماری معنادار است. در واقع، پاسخگویان نسل اول ارزش‌های خانوادگی سنتی‌تری نسبت به نسل‌های دوم، سوم و چهارم دارند و پاسخگویان نسل‌های دوم نسبت به نسل‌های سوم و چهارم و پاسخگویان نسل سوم هم نسبت به نسل‌های چهارم، ارزش‌های خانوادگی سنتی‌تری دارند. این یافته همسو با یافته‌های آزادارمکی و ملکی (۱۳۸۶)، فلاحی‌گیلانی و همکاران (۱۳۹۱)، عنابستانی و احمدزاده (۱۳۹۲)، اوچاقلو و سرایی (۱۳۹۳) است که نشان دادند نسل‌های کهن‌سال نسبت به نسل‌های میان‌سال و جوان از ارزش‌های خانوادگی سنتی‌تری برخوردار هستند.

اما میانگین نگرش منفی نسبت به روابط فرزندآشویی در بین نسل‌های مختلف به لحاظ آماری معنادار نبود. اگرچه به‌طور نسبی نسل‌های سوم و چهارم نسبت به نسل اول نگرش مثبت‌تری به روابط فرزندآشویی دارند، با این حال مقایسه نگرش نسل‌های مختلف نسبت به روابط فرزندآشویی نشان می‌دهد که همه گروه‌های سنی مورد مطالعه، روابط فرزندآشویی را امری ناپسند تلقی می‌کنند. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش جنادله و رهنما (۱۳۹۳) است.

همچنین مشخص شد که بین نوسازی و برخی از مولفه‌های آن در تمامی نسل‌های چهارگانه با ارزش‌های خانوادگی سنتی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد؛ به‌طوری که با افزایش میزان تجربه نوسازی و مولفه‌های آن توسط پاسخگویان، ارزش‌های خانوادگی سنتی آنها تضعیف می‌شود و به سمت ارزش‌های خانوادگی مدرن سوق پیدا می‌کند. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش معینی و شکریگی (۱۳۸۸)، کاظمی (۱۳۸۹)، حقیقتیان و دارابی (۱۳۹۴)، خواجه‌نوری و حسینی (۱۳۹۵)، فرهمند و همکاران (۱۳۹۳)، میرمحمد رضائی و ساروخانی (۱۳۹۷)، رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷)، ابراهیم و همکارانش (۲۰۱۱) و لای و ترنتون (۲۰۱۵) است که نوسازی را عاملی موثر در تغییر ارزش‌های خانوادگی سنتی می‌دانند. در واقع، همان‌طور

که در چارچوب نظری پژوهش هم بیان شد در جریان نوسازی، سنت‌ها و ارزش‌های دیرپای گذشته تضعیف شده و افراد همواره در معرض ارزش‌ها و هنجارهای نوظهور و غیربومی قرار می‌گیرند. نوسازی از طریق ایجاد تغییرات ارزشی و هنجاری در اشکال و ارزش‌های سنتی خانواده و شکل‌گیری تغییرات فرهنگی و اجتماعی گسترده از جمله ظهور فردگرایی، بازانديشي، عرفی‌شدن و... موجب شکل‌گیری ارزش‌های خانوادگی مدرن و تغییر نگرش‌های سنتی افراد در خصوص خانواده‌گرایی، ازدواج، فرزندآوری، طلاق می‌شود.

دیگر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان تحصیلات و میانگین ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل‌های اول تا سوم به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد، اما در نسل چهارم این اختلاف معنادار نیست. در نسل اول با افزایش میزان تحصیلات افراد ارزش‌های خانوادگی افراد از سنتی فاصله گرفته و مدرن می‌شود. در نسل دوم نگرش به ارزش‌های خانوادگی در بین افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و بالاتر هستند مدرن‌تر از افرادی است که دارای تحصیلات متوسطه، راهنمایی و ابتدایی هستند. همچنین در این نسل تفاوت معناداری در نگرش‌های افراد دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی نسبت به افراد دارای تحصیلات متوسطه، راهنمایی و ابتدایی در زمینه ارزش‌های خانوادگی ملاحظه نمی‌شود. در نسل سوم، نگرش به ارزش‌های خانوادگی در بین افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و بالاتر هستند مدرن‌تر از افرادی است که دارای تحصیلات کارشناسی و کاردانی، دیپلم و زیردیپلم هستند. همچنین در این نسل تفاوت معناداری در نگرش‌های افراد دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی نسبت به افراد دارای تحصیلات دیپلم و زیردیپلم در زمینه ارزش‌های خانوادگی سنتی وجود ندارد.

در این زمینه، یافته‌های کوسومبینگ و هالمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) بیانگر آن است که فرایند نوسازی از طریق فراگیر شدن تحصیلات بر ارزش‌های ازدواج (سن ازدواج، انتظار از روابط زناشویی، نحوه‌گزینش همسر) افراد تاثیر دارد. مالهورترا و همکارانش (۱۹۹۲) نگرش مدرن دختران و مادران سریلانکایی در خصوص ازدواج را مربوط به گسترش تحصیلات می‌دانند (به نقل از نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۲). حسنی و همکارانش (۱۳۹۶) نیز با فراتحلیل مطالعات انجام شده درباره نگرش به طلاق نشان دادند که سطح بالای تحصیلات از جمله عوامل موثر در نگرش مثبت به طلاق در ایران هستند. علاوه بر این، مشفق و غریب عشقی (۱۳۹۱)، و صادقی (۱۳۹۵) نیز نشان دادند که سطح تحصیلات در ارزش‌گذاری فرزند و نگرش به فرزندآوری موثر بوده و با

1. Quismbing & Hallman

تعداد مطلوب فرزندان و نگرش به فرزندآوری رابطه معکوس دارد. در تحلیل این امر می‌توان گفت که تحصیلات باعث تحولات فردی و دگرگونی در ایده‌آل‌ها و نگرش‌های شخصی می‌شود و با گسترش افق دید افراد به ماورای مرزهای سنتی جامعه، آنها را به ارزیابی دوباره از ارزش فرزندان وادار می‌سازد (حسینی، ۱۳۹۰). علاوه بر این، تحصیلات می‌تواند با افزایش هزینه‌های فرصت فرزندآوری و تربیت فرزندان در میان خانواده‌های تحصیلکرده، منجر به تغییر در ارزش‌گذاری فرزندان شود و درک والدین از هزینه‌های فرزندآوری را بالا ببرد و به این ترتیب بر نگرش و تقاضا برای فرزند تأثیر بگذارد.

متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی پژوهش توانسته‌اند در نسل اول ۲۸ درصد، در نسل دوم ۳۱ درصد، در نسل سوم ۳۴ درصد و در نسل چهارم ۴۴ درصد از واریانس یا تغییرات ارزش‌های خانوادگی سنتی مشارکت‌کنندگان را تبیین کنند. در واقع، مولفه‌های نوسازی، ارزش‌های خانوادگی سنتی تمامی نسل‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و این تأثیرگذاری در نسل چهارم بیشتر از سایر نسل‌ها و در نسل اول کمتر از نسل‌های دیگر است.

در تمامی نسل‌ها، عرفی شدن نسبت به سایر مولفه‌های نوسازی بیشترین تأثیر را در تغییر ارزش‌های خانوادگی سنتی پاسخگویان داشته است. به طوری که با افزایش میزان عرفی شدن در افراد، ارزش‌های خانوادگی سنتی تضعیف می‌شوند و مدرن‌تر می‌شوند. البته تأثیر عرفی شدن بر ارزش‌های خانوادگی سنتی در نسل‌های مختلف یکسان نیست و این تأثیر از نسل اول به نسل چهارم روند افزایشی داشته است. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش فرهنگ‌مندی و همکاران (۱۳۹۳)، رستگار خالد و محمدی (۱۳۹۴)، حقیقتیان و دارابی (۱۳۹۴)، نیکخواه و همکاران (۱۳۹۶)، مدیری و مهدوی (۱۳۹۶)، آماتو و راجرز<sup>۱</sup> (۱۹۹۷)، کرتزر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۸)، و متینلی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) است که در مطالعه‌شان نشان دادند بین کمرنگ شدن پایبندی به ارزش‌ها و باورهای دینی با ارزش‌های خانوادگی، نگرش به ازدواج، نگرش به فرزندآوری، نگرش به روابط فرازناشویی، و نگرش به طلاق رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی به‌عنوان عوامل بازدارنده‌ای هستند که نگرش و رفتار فرد را در تمامی عرصه‌ها همچون حوزه خانواده کنترل می‌کنند. در تمامی ادیان آسمانی به‌ویژه دین اسلام اهمیت زیادی به خانواده و ارزش‌های خانوادگی سنتی همچون تشکیل خانواده، ازدواج، فرزندآوری و خودداری از طلاق و روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج، داده شده است. اما ورود

1. Amato & Rogers

2. Kerzer

3. Mattingly

مدرنیزاسیون و اندیشه‌های مدرن از جمله عرفی‌شدن و فردگرایی به کشور، باورها و اعتقادات دینی را به‌ویژه در نسل‌های جوان و میان‌سال تقریباً به انزوا کشانده و محدود به حوزه زندگی خصوصی نموده است. یکی از پیامدهای این امر تضعیف ارزش‌های خانوادگی سنتی و سوق پیدا کردن به سمت ارزش‌های خانوادگی مدرن است.

بازاندیشی از دیگر مولفه‌های نوسازی است که در نسل‌های دوم و چهارم توانسته است تاثیر معناداری بر روی ارزش‌های خانوادگی سنتی افراد داشته باشد. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش محمودیان و رضائی (۱۳۹۱)، حقیقتیان و دارابی (۱۳۹۴)، قریشی‌راد و پورجبار آخونی (۲۰۱۸) است که در مطالعه‌شان نشان دادند بازاندیشی عاملی موثر در تغییر ارزش‌های خانوادگی، نگرش در خصوص فرزندآوری و روابط فرازناشویی است. از نظر گیدنز ویزگی مدرنیته، بازاندیشی درباره همه چیز است و بازاندیشی در خصوص سنت و ارزش‌های سنتی جامعه یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته است. در واقع، در جریان بازاندیشی نقش الگوهای سنتی در جهت‌دهی به کنش افراد کمرنگ شده و افراد در پرتو اطلاعات تازه دائماً کنش‌های خود را بازتفسیر می‌کنند. در این بین، فرایند بازاندیشی به عرصه ارزش‌های خانوادگی سنتی هم رسیده است. ارزش‌هایی که در گذشته بی‌چون و چرا پذیرفته می‌شد امروزه ماهیت و عملکردش، در نسل‌های مختلف، به چالش کشیده می‌شود و ارزش‌های جدیدی به جای آن پذیرفته می‌شود. در این زمینه، اسحاقی و همکارانش (۱۳۹۳) در پژوهش‌شان نشان دادند که فرایند بازاندیشی مدرن نگرش افراد در ارزش‌گذاری برای فرزند را تغییر داده، به نحوی که به فواید معنوی و عاطفی داشتن فرزند کمتر توجه می‌شود. همچنین امروزه فرد خواسته‌ها و نیازهای عاطفی خود را در فرزند نمی‌یابد و تمایلی برای فرزندآوری ندارد و نگرش منفی نسبت به پیامدهای فرزند بیشتر از آثار مثبت فرزندآوری در ذهنش متصور است.

مصرف‌گرایی نیز در بین پاسخگویان نسل‌های سوم و چهارم توانسته است تاثیر معنادار معکوسی بر ارزش‌های خانوادگی سنتی داشته باشد. در این زمینه، فولادی (۱۳۹۳) تغییر در الگوی مصرف، روحیه تنوع‌طلبی و تجملاتی‌شدن زندگی اجتماعی را از عوامل اساسی تغییر در ارزش‌های ازدواج می‌داند. افراسیابی و مرادی‌فر (۱۳۹۴) نیز در مطالعه‌شان نشان دادند که مصرف‌گرایی، ظاهرگرایی و مدگرایی از مهمترین عوامل تغییر سبک زندگی سنتی زنان شهر یاسوج هستند. مورتی (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود یکی از علل تغییرات شدید در میزان فرزندآوری در کشورهای آسیایی و آفریقایی را مصرف‌گرایی می‌داند.

مولفه‌های مساوات‌طلبی جنسیتی، فردگرایی و عقلانیت ابزاری نیز به ترتیب فقط در بین نسل‌های دوم، سوم و چهارم توانسته‌اند تاثیر معناداری بر روری ارزش‌های خانوادگی سنتی

پاسخگویان داشته باشند. به نظر گیدنز، با ظهور فردگرایی، خانواده به عنوان دنیای خصوصی تعریف می‌شود و بسیاری از الگوهای خانوادگی سنتی تغییر می‌یابند (سفیری و همکاران، ۱۳۹۷). در این زمینه، هارپر (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان داد که فردگرایی منجر به کاهش نگرش سنتی به ازدواج می‌شود. مانسکی و می‌شار (۲۰۰۳) نیز معتقدند که با افزایش میزان فردگرایی و ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی در فرد، نگرش و گرایش وی به فرزندآوری کاهش می‌یابد. همچنین عباس‌زاده و همکارانش (۱۳۹۴) نیز در پژوهش‌شان نشان دادند که با افزایش میزان فردگرایی و عقلانیت زنان، تمایل آنها به طلاق افزایش می‌یابد.

در خصوص نقش مساوات‌طلبی جنسیتی در تضعیف ارزش‌های خانوادگی سنتی نیز می‌توان گفت که در خانواده‌های سنتی به خاطر فراگیر بودن ایدئولوژی مردسالاری به زنان اجازه چندانی برای حضور و مشارکت در عرصه‌های مختلف همچون آموزش، اشتغال و امور سیاسی داده نمی‌شد. اما فراگیر شدن آموزش همگانی و شکل‌گیری مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سایه ورود نوسازی به کشور، تا حدودی منجر به افول مردسالاری در جامعه و خانواده شدند و جریان‌های فکری جدید همچون فمینیسم، نظام تقسیم نقش‌های سنتی زن و مرد را به چالش کشیدند. در نتیجه با افزایش ورود زنان به دانشگاه‌ها و افزایش آگاهی آنها، امروزه بسیاری از زنان خواهان حضور در جامعه هستند و خود را ملزم به انجام بسیاری از نقش‌های سنتی و خانوادگی خود نمی‌دانند. یکی از نتایج این امر، تحلیل ارزش‌های خانوادگی سنتی و افزایش ارزش‌های خانوادگی مدرن است.



## منابع

- احمدی، عزت‌اله؛ عدلی‌پور، صمد؛ میرمحمدتبار، سیداحمد و ابوترابی، فاطمه (۱۳۹۴) تاثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر ارزش‌های خانوادگی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز، *توسعه اجتماعی*، ۹ (۴): ۱۳۴-۱۰۷.
- احمدی، وکیل؛ قاسمی، وحید و کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۹۱) بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی خانواده، *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۰ (۱): ۸۱-۱۰۲.
- اسحاقی، محمد؛ محبی، سیده فاطمه؛ پای‌نژاد، شهریانو و جهاندار، زینب (۱۳۹۳) چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲ (۱): ۱۱۱-۱۳۴.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی خانواده: با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- افراسیابی، حسین و مرادی‌فر، طاهره (۱۳۹۴) بازسازی معنایی تغییر سبک زندگی زنان لر شهر یاسوج، ۱۳ (۳): ۷۷-۹۸.
- افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۹۳) رابطه طبقه اجتماعی و میزان نوگرایی در شهر یزد، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۱ (۱): ۵۲-۲۷.
- امامی، پریخ؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۷) تبیین رابطه مدرنیته و خانواده‌گرایی در شهر اصفهان، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵ (۱۱): ۲۵۱-۲۲۷.
- اوجاقلو، سجاد و سرایی، حسن (۱۳۹۳) مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان)، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳ (۲): ۲۸۳-۲۶۱.
- آزاد ارمکی، تقی و ظهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۸۹) بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده، *خانواده‌پژوهی*، ۶ (۲۳): ۲۹۷-۲۷۹.
- آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر (۱۳۸۶) تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان، *نامه علوم اجتماعی*، ۱۵ (۳۰): ۹۷-۱۲۱.
- تقوی، سیدمهدی و اصلانی، شهناز (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین مصرف رسانه، دینداری و ارزش‌های خانواده: مطالعه موردی شهر سمنان، *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۵ (۲): ۲۰۵-۱۸۱.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۹۵) *مبانی جمعیت‌شناسی*، تبریز: نشر جامعه‌پژوه و دانیال.
- چنادله، علی و رهنما، مریم (۱۳۹۳) دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی)، *خانواده‌پژوهی*، ۱۰ (۳۹): ۲۹۶-۲۷۷.
- جهانبخش، محمدعلی (۱۳۹۵). *خانواده و فرهنگ*، تهران: ساکو.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۲) مطالعه بین نسلی رابطه نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران، *مطالعات زن و خانواده*، ۱ (۱): ۱۸۵-۱۵۹.

- چمنی، سولماز؛ مشفق، محمود و شکریگی، عالیه (۱۳۹۴) مطالعه چالش‌های فرزندآوری در شهر تهران با تاکید بر روش ترکیبی، *مطالعات جنسیت و خانواده*، ۳ (۱): ۳۸-۹.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و بابایی همتی، زرنوش (۱۳۹۵) مصرف‌نمایشی خرید در بین خانواده‌های شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۱، ۷، ۱۹)، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹ (۷۳): ۱۲۴-۹۵.
- حسینی، محمدرضا؛ هدایتی، منصوره و محمدزاده، فاطمه (۱۳۹۶) فراتحلیل مطالعات انجام شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۲، *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱ (۳۹): ۱۵۱-۱۲۶.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۰) *جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- حقیقتیان، منصور و دارابی، مسعود (۱۳۹۴) بررسی تاثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تاثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: شهرستان نهاوند)، *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۶ (۲۰): ۸۸-۵۷.
- خواجهنوری، بیژن و حسینی، مریم (۱۳۹۵) رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و ارزش‌های ازدواج در بین ساکنین شهر شیراز، *زن و جامعه*، ۷ (۳): ۱۳۴-۱۱۵.
- ربیعی، علی؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا و علیزاده، اعظم (۱۳۹۳) بررسی تاثیر استفاده از رسانه‌های جمعی بر نوگرایی و شکاف ارزشی، *پژوهشنامه توسعه فرهنگی اجتماعی*، ۱ (۲): ۵۹-۴۱.
- رحمانی، غلامعباس؛ وحیدا، فریدون و اسماعیلی، رضا (۱۳۹۵) بررسی تغییرات فرهنگی ناشی از استفاده از رسانه ماهواره در حوزه ارزش‌های خانواده (مورد مطالعه: خانواده‌های شهرستان فراشبند فارس در سال ۹۴-۱۳۹۳)، *پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی*، ۶ (۱۳): ۳۲-۱.
- رستگارخالد، امیر و محمدی، میثم (۱۳۹۴) تغییرات فرهنگی و آفت باوری در ایران، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶ (۸۵): ۱۸۰-۱۵۹.
- رستگارخالد، امیر و مقدمی، ساجده (۱۳۹۷) بررسی رابطه تمایل به ارزش‌های عرفی و نگرش به فرزند، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵ (۱۱۹): ۱۷۴-۱۵۳.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ حاجی‌زاده میمنندی، مسعود و کرم‌پور، علی (۱۳۹۱) عوامل موثر بر میزان نوگرایی در بین جوانان شهر شوشتر، *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۳ (۸): ۱۲۰-۹۹.
- زاهدی، محمدجواد و خضرنژاد، عمر (۱۳۹۲) نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴ (۱): ۹۷-۶۸.
- زاهدی، محمدجواد؛ نایی، هوشنگ؛ دانش، پروانه و نازک‌تبار، حسین (۱۳۹۴) فرایند نوسازی و ظهور مسائل جدید در خانواده، *رفاه اجتماعی*، ۱۵ (۵۶): ۲۵۸-۲۲۷.
- زاهدی، محمدجواد؛ نایی، هوشنگ؛ دانش، پروانه و نازک‌تبار، حسین (۱۳۹۲) تبیین جامعه‌شناختی تاثیر فرایند نوسازی در ساختار خانواده (مقایسه نقاط شهری و روستایی در استان مازندران)، *شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۶ (۶۱): ۱۴۸-۹۷.

- ساروخانی، باقر؛ احمدی، امیدعلی و صفا، داود (۱۳۹۵) تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی با تاکید بر مناسبات همسرگزینی، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۴ (۷): ۹-۴۲.
- سرایی، حسن و اوچاقلو، سجاد (۱۳۹۲) مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران (مطالعه موردی: زنان شهر زنجان)، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵ (۴): ۱۹-۴۱.
- سفیری، خدیجه؛ کوهی، کمال و عبدی، رباب (۱۳۹۷) تاثیر مصرف کالاهای فرهنگی بر تغییر ارزش ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۸ (۱): ۳-۲۸.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایثاری، مریم (۱۳۹۴) مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق، *مسائل اجتماعی ایران*، ۶ (۱): ۱۳۱-۱۵۶.
- صادقی، رسول (۱۳۹۵) تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵ (۲۰): ۲۱۷-۲۴۶.
- عباس‌زاده، محمد؛ سعیدی عطایی، حامد و افشاری، زهرا (۱۳۹۴) مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته موثر بر گرایش زنان به طلاق (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان)، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۴ (۱): ۲۵-۴۴.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۴) قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، *پژوهش زنان*، ۳ (۱): ۲۵-۴۷.
- عباستانی، علی‌اکبر و احمدزاده، سحر (۱۳۹۲) بررسی تفاوت‌های نسلی به لحاظ ارزش‌های خانوادگی در سکونتگاه‌های روستایی، *مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۲ (۳): ۲۷-۵۲.
- عنایت، حلیمه، پرنیان، لیلا (۱۳۹۲) مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری، *زن و جامعه*، ۴ (۲): ۱۰۹-۱۳۶.
- فرهمند، مهناز؛ خرم‌پور، یاسین؛ پارساییان، زهره و ماندگاری، فرزانه (۱۳۹۳) تاثیر مولفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد، *تحقیقات فرهنگی*، ۷ (۳): ۱۴۹-۱۷۷.
- فلاحی گیلان، روح‌الله؛ روشنفکر، پیام و پورکسایی، مریم (۱۳۹۱) بررسی بین‌نسلی نگرش به طلاق: مطالعه‌ای در استان زنجان، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱ (۲): ۱۳۹-۱۵۶.
- فوران، جان (۱۳۹۵) *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فولادی، محمد (۱۳۹۳) تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تاکید بر عوامل فرهنگی، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۵ (۴): ۷۷-۱۰۴.
- قاسمی، وحید؛ وحید، فریدون؛ ربانی، رسول و ذاکری، زهرا (۱۳۸۹) شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱ (۳۷): ۴۳-۶۸.

- قنبری برزیان، علی؛ سیف‌زاده، علی و محمدی، اصغر (۱۳۹۶). خانواده دیجیتال، هویت دینی و ارزش‌های خانوادگی، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۶ (۳۵): ۵۰-۲۹.
- کاظمی، زهرا (۱۳۸۹) بررسی تاثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آنها نسبت به ازدواج و خانواده، *خانواده پژوهی*، ۶ (۲۳): ۳۱۲-۲۹۹.
- گیدنز، آتونوی (۱۳۹۴) *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- لبیعی، محمدمهدی (۱۳۹۲) نگرشی نوین به تحول ارزش‌های خانوادگی در ایران، *ماهنامه علوم اجتماعی*، ۱۶ (۶۴): ۳۲-۳۹.
- محمدپور، احمد؛ رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف و صادقی، رسول (۱۳۸۸) بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای، *خانواده پژوهی*، ۵ (۳): ۳۳۰-۳۰۹.
- محمودیان، حسین و رضائی، مهدی (۱۳۹۱) زنان و کنش کم‌فرزندآوری (مطالعه موردی زنان کرد)، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴ (۵۵): ۲۲۵-۱۷۳.
- مدیری، فاطمه و مهدوی، محمد صادق (۱۳۹۶) بررسی نسلی تاثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در شهر تهران، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۶ (۱۰): ۱۳۲-۱۰۹.
- مشفق، محمود و غریب عشقی، سارا (۱۳۹۱) تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۵ (۵۸): ۱۲۰-۹۳.
- معینی، سیدرضا و شکریگی، عالیه (۱۳۸۸) بررسی نوگرایی خانواده‌های ایرانی (تحقیقی در شهر تهران)، *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، ۱ (۲): ۱۲۷-۱۰۵.
- میرزایی، حسین؛ شریعی، سارا و باباصفری، نافع (۱۳۹۳) بررسی رابطه نوسازی و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان شهر و روستاهای سنج، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳ (۴): ۶۳۷-۶۰۳.
- میرمحمد رضائی، سیده زهرا و ساروخانی، باقر (۱۳۹۷) نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳ (۴۴): ۱۶۴-۱۳۱.
- نیکخواه، هدایت‌اله؛ فانی، مریم و اصغریور ماسوله، احمدرضا (۱۳۹۶) سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل موثر در آن، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۸ (۶۷): ۱۲۲-۹۹.
- واترز، مالکوم (۱۳۸۱) *جامعه سنتی و جامعه مدرن*، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.
- Amato, P. R., & Rogers, S. J. (1997) A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of Marriage and the Family*, 59 (3): 612-624.
- Bright, W. (2000) *Cultural anthropology today*. California: CRM Books, Dehmar.
- Chan, K. M. E. (2016) *A study of the five main aspects of the family values of youth-at-risk in a Hong Kong home for children and juveniles*, Doctoral dissertation, University of Hong Kong.

- Ebrahim, S., Abbasi, M. H., Adnan, A., & Bhatti, W. (2011) Cognition and impact of modernization in changing normative structure of family system, *International Journal of Business and Social Science*, 2 (14): 271-277.
- Gavrov, S., & Klyukanov, I. (2015) *Sociological theories of Modernization*, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd edition.
- Georgas, J. (1989) Changing family values in Greece: from collectivist to individualist, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 20 (1): 80-91.
- Ghoreishi Rad, F., & Poorjabbar Akhuni, F. (2018) Relationship between religious commitment and other factors related to tendency toward extra-marital affairs among married students, *Health, Spirituality and Medical Ethics*, 5 (2): 45-50.
- Harper, M. S. (2010) *The relationship between individualistic attitudes and attitudes towards traditional*. Social Work Theses. Providence College, Rhode Island.
- Inkeles, A., & Smith, D. H. (2014) *Becoming Modern*, Harvard University Press.
- Kavas, S., & Thornton, A. (2013) Adjustment and hybridity in Turkish family change: Perspectives from developmental idealism, *Journal of Family History*, 38 (2): 223-241.
- Kertzer, D., White, M., Bernardi, L., Gabrielli, G. (2009) Italy's path to very low fertility: the adequacy of economic and second demographic transition theories, *European Journal of Population*, 25 (1): 89-115.
- Lai, Q., & Thornton, A. (2015) The making of family values: developmental idealism in Gansu, China, *Social Science Research*, 15: 174-188.
- Manski, C., & Mayshar, J. (2003) Private incentives and social interactions: fertility puzzles in Israel, *Journal of the European Economic Association*, 1 (1): 181-211.
- Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A. W., Weidler, D. J. (2010) Foggy faithfulness: relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample, *Journal of Family Issues*, 31 (11): 1465-80.
- Mc Donald, P. (2000) Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility, *Journal of Population Research*, 17 (1): 1-15.
- Mishra, R., Ansari, S., & Mishra, S. (2012) A comparative study of changing Family Composition, Structure and Practices in urban area of Kanpur City (U.P.), *International Journal of Scientific and Research Publications*, 2 (10): 1-5.
- Murthi, M. (2003) Fertility change in Asia and Africa, *World development*, 30 (10): 1769-1778.
- Neels, K. (2006) Fertility postponement: cultural dynamics or structural change?, *European Population Conference*, Liverpool.
- Panasenko, N. (2013) Czech and Slovak family patterns and family values in historical, social, and cultural context, *Journal of Comparative Family Studies*, 44 (1): 79-98.

- Quismbing, A. R., & Hallman, K. (2003) *Marriage in transition: evidence on age, education and assets from six developing countries*, New York: Population Council.
- Rahman S .A., & Uddin, Md. S. (2017) The impact of globalization on family values, *International Journal of Advanced Research*, 5 (8): 968-977.
- Raymo, J. M., Park, H., Xie, Y., & Yeung, W. J. (2015) Marriage and family in East Asia: continuity and change, *Annual Review of Sociology*, 41:471-492.
- Silinskm R. Martyniuk, A. (2016) Transformation trend of the institution of family. Family as a value, expectations, family policy, *International conference of society, health, welfare*.
- Thornton, A .(2010) International family change and continuity: the past and future from the developmental idealism perspective, *Demografia*, 53 (5): 21-50.
- Zilinskiene, L., & Ilic, M. (2018) Changing family values across the generations in twentieth-century Lithuania, *Contemporary Social Science*, DOI:10.1080/21582041.2018.1516297.